

## بررسی سجل کیفری و گواهی عدم سوء پیشینه در حقوق ایران

ماهرخ شریفی<sup>۱</sup>، محمد حسین رجبیه<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین (نویسنده مسئول)

### چکیده

سوء پیشینه مرتبط به جرائم عمدی است که در شناسنامه کیفری افراد مندرج شده و مبنای قضاوت در مورد آن‌ها طی سال‌های آینده خواهد بود. فردی که به لحاظ برخی کاستی‌ها و معضلات در محیط زندگی خود خواسته یا ناخواسته مرتکب جرم شده است، پس از تحمل مجازات و بازگشت به اجتماع به منظور ایجاد شرایط مناسب برای خود و خانواده‌اش نیازمند اشتغال است، اما این در حالی است که برخی از مجرمان پیش از این به دلیل داشتن سوء پیشینه از حقوق اجتماعی محروم بودند، ولی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شرایطی فراهم شده است و به فرد بزهکار فرصت کافی داده شده که به اجتماع باز گردد تا شرایط یک زندگی ساده که کمترین حق وی در مقام یک شهروند است برای او و خانواده‌اش فراهم شود. پژوهش پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سجل کیفری و گواهی عدم سوء پیشینه کیفری در حقوق کیفری ایران پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: ثبت و احراز پیشینه کیفری مجرمان در دستگاه انتظامی در مقایسه با دستگاه قضایی از قدمت بیشتر و در عین حال از کارایی موثرتری برخوردار می‌باشد. پایه گذاری این دستگاه براساس ویژگی‌های اثر انگشت موجب شده هرگونه تغییر قیافه، جعل مدرک هویت، کتمان هویت و نظایر اینها، توسط مجرمان، مانع دستیابی به پیشینه کیفری و هویت واقعی آنان نباشد. از آثار پیشینه کیفری نیز علاوه بر محرومیت از حقوق اجتماعی از جمله محدودیت در انتخاب مشاغل، دولتی، خصوصی و سیاسی؛ می‌توان آن را عاملی جهت تشدید مجازات قانونی و ممنوعیت استفاده از تعلیق، عفو، آزادی مشروط و دیگر تخفیف‌های قانونی دانست.

**واژه‌های کلیدی:** سجل کیفری، گواهی عدم سوء پیشینه کیفری، مجازات تبعی، محرومیت از حقوق اجتماعی، اعاده حیثیت.

## ۱. مقدمه

آیین دادرسی کیفری در هر کشوری تضمین کننده حقوق و آزادی های افراد در جامعه است. تا جایی که اگر قوانین آیین دادرسی کیفری در یک کشور به درستی وضع نشده باشد در آن کشور شاهد نقض حقوق افراد ملت، خواهیم بود ولی پیشرفت قوانین و مقررات آیین دادرسی کیفری و توجه به حقوق مسلم و ابتدایی افراد در جامعه باعث می شود حقوق افراد در جامعه پایمال نشود. با توجه به اینکه، قوانین موجود در کشورمان، اکثراً قدیمی بوده و قوانین جدیدی که وضع شده اند کارکردهای لازم را ندارد تغییرات گسترده در خصوص قوانین مختلف و به خصوص قوانین آیین دادرسی کیفری، خود شاهدی بر این موضوع می باشد. شایان ذکر است که این تغییرات گاهی تا جایی بوده است که تاسیسات حقوقی جامعه که محصول چند دهه نظام دادرسی ایران بوده است مورد تغییر و تحولات اساسی واقع شده است. شایان ذکر است که امروزه در خصوص انجام این امور، پیش بینی های جدیدی صورت گرفته و سعی شده است تا در تشکیلات دادگستری بخش های تخصصی در این مسائل به انجام وظایف پردازند و معاونت های مختلف در دستگاه های قضایی نیز بر این اساس وظایف خود را انجام دهند. بعد از منحل شدن دادسراها در نظام دادرسی کشور مشکلات زیادی در رسیدگی های کیفری بوجود آمد که نقدهای زیادی درباره این اقدامات از سوی قضات و حقوقدانان وارد شده است، که باعث شد در سال ۱۳۸۱ نهاد دادسرا بار دیگر در کشور احیاء شود. با وجود این شرایط کاملاً طبیعی است که قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ پاسخگوی مسایل مختلف دادرسی در ایران نبوده است و قانون اصلاح قانون ت. د. ع و در امور کیفری و آیین نامه ی آن هم بنابر محدود بودن مواد آن نمی تواند پاسخگوی این مسائل باشد با توجه به این مسائل و اجرای آزمایشی قانون آ. د. د. ع و انقلاب در امور کیفری و نیز با توجه به اهمیت این قانون و الزام تصویب نهایی آن از سوی مجلس بعنوان یک قانون مدون، دستگاه قضایی در صدد تدوین لایحه ی آیین دادرسی کیفری برآمده است. تلاش شده است که در این لایحه آیین دادرسی کشور با توجه به مبانی حقوقی و شرعی و اسناد بین المللی تنظیم شود. رویکرد اصلی و اساسی این لایحه حفظ حق و حقوق متهمان می باشد. در قدیم ایام که برای حمایت از جامعه گوش، دست و دماغ بزهکاران را می بریدند و داغ بر پیشانی و پیکر آن ها می نهادند. این امر از یک طرف برای تنبیه آن ها و از طرفی برای شناساندن و معرفی ایشان به جامعه بود ولی امروزه با پیشرفت فرهنگ و تمدن، گام های بلندی که بشر در راه علم و صنعت برداشته و همچنین با کرامت محور شدن حقوق کیفری و تغییر نگرش در مورد جرم و اینکه مجرم شخصی است قابل اصلاح، دیگر آن روش ها متروکه گشته و به جای آن، قوانین و مقررات کیفری و سازمان های فنی و علمی مانند سجل کیفری به وجود آمده است. (محمدی منش، ۱۳۹۲)

فلسفه کیفر با تحولاتی که در طول زمان به خود دید، موجب تغییر نگرش هایی شده است بنابراین تا زمانی که مجازات بر پایه دو مولفه قربانی و جرم استوار بوده، وجود سجل کیفری احساس نمی شده ولی با محوری شدن مجرم در دستگاه عدالت کیفری و مطرح شدن اصل فردی کردن مجازات ها و همچنین تغییر فلسفه و اهداف مجازات ها در گذر زمان، نشانه دار کردن مجرمین ضروری و با کرامت محور شدن حقوق کیفری، ایجاد نهادی برای ثبت پیشینه مجرم لازم به نظر می رسید. لذا با توجه به اهمیت و گستردگی سجل کیفری که در واقع شناسنامه جزایی مجرمین است و این سجل در دفتری که مرکز هر شهرستان و تحت نظر دادستان آن شهرستان برای ثبت محکومیت های قطعی کیفری که در ماده ۳ آیین نامه سجل کیفری مصوب ۱۳۸۴ می باشد نگهداری می شوند. (محمدی منش، ۱۳۹۲: ۲)

تنظیم مواد و پیش بینی های جدید یک امر کاملاً ضروری می باشد. بنابراین با توجه به این ضرورت ها، از جمله کاربردهای این تحقیق این است که قانون گذاران کشور را در تدوین قانونی جامع، مفید و منطبق با واقعیات جامعه مدد نماییم.

## ۲. کلیات پژوهش

### ۲-۱. اهمیت ضرورت پژوهش

ضرورت سجل کیفری همان چرایی و هدف غایی سجل کیفری است. لذا بشر بعد از آنکه دریافت به تنهایی و به دور از همنوعان نمی‌تواند نیازهای خویش را برآورده سازد در پی رفع نیازها به زندگی اجتماعی روی آورد و از آنجایی که ادامه ی زندگی اجتماعی مسالمت آمیز، مستلزم وجود قواعد و مقرراتی حاکم بر افراد جامعه و دولت می باشد؛ دولتها دست به وضع قوانینی زدند ولی در بره های هدف مجازات ها فقط حمایت از اجتماع بود و به مجرم توجهی نمی شد چرا که معتقد بودند مجرم با اراده کاملاً آزاد دست به ارتکاب جرم زده و مدیون جامعه شده و با تحمل مجازات دین خود را به جامعه اداء می کند و اجرای مجازات‌ها حد و حصری نداشت تا اینکه بکارها با نوشتن کتاب رساله جرایم و مجازات ها، بی حد و حصر بودن مجازات ها و اختیارات نامحدود قضات را به باد انتقاد گرفت و در برهه‌ای معتقد بودند مجرم در انجام جرم هیچ گونه اختیاری از خود ندارد و تحت تأثیر جبر مرتکب جرم می‌شود و با تقسیم بندی کردن مجرمین، مجازات های هر گروه با گروه دیگر فرق داشت و مجرم در دستگاه عدالت کیفری نقش محوری یافت لذا از این زمان به بعد بود که اصل فردی کردن مجازات ها توجه همگان را به خود جلب کرد و برای اجرای اصل نیاز به شناسایی و معرفی آنها بود که در ابتدا شناسایی با روش های غیرانسانی بود که با انسانی شدن حقوق کیفری و مجازاتها، شناسایی به روش های غیرانسانی (مثلاً داغ گذاشتن) متروک گردید لذا ایده ثبت پیشینه مجرم شکل گرفت. به عبارتی دیگر، با شناسایی کرامت انسان و تغییر فلسفه و اهداف مجازاتها و انسانی شدن اجرای مجازاتها ایجاد سجل کیفری اهمیت خود را به رخ همگان کشاند. از این رو، سجل کیفری در راستای تحقق بخشیدن به اهداف مجازات حقوق جزای مدرن بوجود آمد. (محمدی منش، ۱۳۹۲: ۲)

با توجه به اینکه تأسیس مرکزی که سوابق محکومیت اشخاص در آن ثبت و ضبط شده و در مواقع لزوم بتوان پی به وجود یا عدم وجود سابقه کیفری اشخاص برد، اقدامی نسبتاً جدید است که به نیمه دوم قرن نوزدهم مربوط می شود، تحقیقات اندکی نیز که تا کنون در حوزه سجل کیفری در ایران صورت گرفته تا حدودی قدیمی و مربوط به دهه هفتاد و هشتاد می باشند و با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ و قوت بحث مرور زمان در این قانون و همچنین تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در همین سال مطالب ناگفته بسیاری راجع به سجل کیفری وجود دارد که در این تحقیق به آن ها خواهیم پرداخت. لذا تحقیق حاضر که هدف آن بررسی چالش های نظام ثبت و احراز پیشینه کیفری مجرمان می باشد یک امر ضروری محسوب می شود.

## ۳. مبانی نظری

### ۳-۱. پیشینه پژوهش

راجع به این موضوع یعنی « بررسی سجل کیفری و گواهی عدم سوء پیشینه در حقوق ایران»، به طور کلی تحقیقات و مطالعاتی بسیار محدود و اندک و گاهاً قدیمی صورت گرفته که نزدیک ترین آن ها به موضوع حاضر عبارتند از:

### ۳-۱-۱. مقالات

۱- محمود شیخ زاده، ۱۳۸۴، سجل کیفری در نظام حقوقی ایران، مجله علامه، شماره ۷: پژوهشگر در این مقاله به این موضوع می پردازد که: تغییرات مکرر در قوانین جزایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی، موجب متروک شدن آیین نامه سجل قضایی در سال ۱۳۱۸ گردیده است. با عنایت به اهمیت و آثار معلوم بودن سوابق محکومیت اشخاص در پرونده های کیفری از جهت صدور قرار تأمین متناسب و تخفیف، تشدید و تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و حتی برخورداری از عفو یا تخفیف، تشدید و تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و حتی برخورداری از عفو یا

تخفیف مجازات محکومین ضرورت دارد که آیین نامه مذکور اصلاح و با قوانین و مقررات موجود هماهنگ گردد تا مراجع ذیربط بتوانند آیین نامه یاد شده را به صورت دقیق کامل و اجرا نمایند.

۲- محسن عینی، ۱۳۸۵، گامی کوتاه در راه اعاده حیثیت (بررسی و نقد ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی و تبصره های آن، مجله نامه مفید، شماره ۵۵: محقق در این پژوهش معتقد است؛ اعاده حیثیت قضایی و قانونی که تدبیری برای تسهیل حضور محکوم در جامعه و اعمال رأفت نسبت به اوست. با محو سابقه محکومیت کیفری از سجل قضایی شخص، مجازات هایی تبعی مترتب بر محکومیت کیفری را ساقط کرده و حقوق سیاسی و شخصی و اجتماعی را به او باز می گرداند. همچنین امکان برخورداری شخص را از پاره ای امتیازات قانونی چون آزادی مشروط که بهره مندی از آن ها منوط به فقدان سابقه محکومیت کیفری است، فراهم می کند. ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی، تلاشی درخور اما ناقص برای استقبال از تأسیس اعاده حیثیت، نهاد «اعاده حقوق اجتماعی به محکوم» را تداعی می کند و نیازمند بازنگری و اصلاح است.

### ۳-۱-۲. پایان نامه ها

۱- مهدی نجابتی، ۱۳۹۱، پیشینه کیفری و تأثیر آن در نظام تعیین مجازات قانونی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس: یافته های این تحقیق مؤید آن است که قانون گذار در تدوین قوانین مرتبط با موضوع، از منطق والگوی مشخصی پیروی نکرده است. عدم وجود زیرساخت های آماری، اطلاعات جنائی، نظام ثبت واحراز پیشینه کیفری و همچنین عدم الزام قانونی برای قضات به احراز پیشینه کیفری متهمان و فاصله نسبتاً زیاد بین حداقل و حداکثر مجازات در قوانین کیفری موجب می گردد دادگاه های مختلف برای متهمانی که مرتکب جرم مشابهی شده اند، و از نظر پیشینه کیفری و سایر جهات در شرایط مشابهی قرار دارند، مجازات های متفاوتی تعیین نمایند.

۲- محمد محمدی منش، ۱۳۹۲، بررسی حقوقی و جرم شناختی ثبت سجل کیفری: ضرورت ها؛ چالش ها، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان: در این تحقیق که بر مبنای روش توصیفی، تحلیلی، عقلی، گاه اسنادی و مراجعه به داسراهاست سعی می کند با یک نگاه نظری و کاربردی به نهادها و سازمان های مربوط یاری برساند تا با وضع قوانین و آیین نامه هایی، فواید و ضرورت هایی که از ایجاد این نهاد مد نظر بوده تأمین، تا بر خلاف فلسفه وجودیش عمل نکند به عبارتی دیگر جرم زدا و مفید باشد نه جرم زا و مضر.

### ۳-۲. تعاریف نظری پژوهش

#### ۳-۲-۱. مفهوم سجل کیفری و انواع آن

##### مفهوم سجل کیفری

سجل (به کسر اول و ثانی و تشدید لام) در لغت به معنی عهدنامه، نامه احکام، نامه ای که قاضی در آن صورت دعاوی و حکم و اسناد را نویسد. (معین، ۱۳۸۷: ۵۳۷)

سجل کیفری در لغت به معنی عهدنامه یا نامه احکام است و در فرهنگ لغات از آن به عنوان صورت مجلس یا نامه ای که قاضی در آن صورت دعاوی را می نوشت یاد کرده اند اما از جهت حقوقی سجل کیفری همان شناسنامه کیفری است که در آن پیشینه و سوابق کیفری افراد و برخی از محکومیت های مدنی آنان ثبت و ضبط می شود.

سجل کیفری در اصطلاح به معنای اجراء، شناسنامه و نیز دادنامه آمده است. تاسیس مرکزی که سوابق محکومیت اشخاص در آن ثبت شود و در موارد لزوم از آن گواهی عدم سوء پیشینه و یا خلاف آن اخذ گردد اقدامی نسبتاً جدید است که به نیمه دوم قرن نوزدهم مربوط می‌شود. (شیخ زاده، ۱۳۸۴: ۷۶)

در ایران تا قبل از سال ۱۳۱۸ سوابق کیفری افراد در هیچ اداره یا مرجعی ثبت نمی‌شد و همه‌ی افراد از لحاظ پیشینه کیفری ظاهراً یکسان و در ردیف یکدیگر بودند و این مسئله از جهات عدیده از قبیل تکرار جرم و تعلیق مجازات دارای مضار فراوانی بود. تا اینکه در سال ۱۳۱۸ آئین‌نامه سجل کیفری جهت ایجاد دفاتر سجل کیفری وضع و تصویب شد. به موجب مقررات این آئین‌نامه کلیه سوابق موثر کیفری و بعضی احکام مدنی و تجاری افراد باید در دفتر سجل کیفری درج شود. (علی آبادی، ۱۳۸۵: ۳۳۵)

### انواع سجل کیفری

به موجب ماده ۳ آیین‌نامه سجل کیفری چهار نوع سجل قضائی پیش بینی شده که عبارتند از: «کیفری، مدنی، بازرگانی و اداری که موارد زیر به طور اختصار در آن درج می‌شود:

پیشینه کیفری در امور کیفری شامل موارد زیر خواهد بود: ۱- محکومیت‌های کیفری قطعی و قابل اجراء و تاریخ شروع و ختم آنها و احکامی که در نتیجه اعاده دادرسی، آزادی مشروط یا تعلیق اجرای مجازات به ترتیب، احکام محکومیت را الغاء یا منتفی کرده است؛ ۲- حکم لغو تعلیق اجرای مجازات و حکم اجرای بقیه محکومیت بلحاظ تخلف از ترتیبات و شرایط آزادی مشروط؛ (موضوع تبصره ماده ۲۹ و تبصره ۳ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰)؛ ۳- تصمیم مربوط به اعاده حیثیت و عفو عمومی یا بخشودگی و تخفیف و تبدیل کیفر.

مواردی نظیر معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم مجازات، نظام نیمه آزادی و آزادی الکترونیکی را نیز باید به آن‌ها افزود. ماده (۵۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲) جانشین تبصره ماده ۲۹ و ماده ۶۱ ق.م.ا. ۱۳۹۲ جانشین تبصره ۳ ماده ۳۸ گردیده اند.

در امور مدنی شامل احکام قطعی راجع به اعلام حجر یا رفع حجر می‌باشد.

در امور بازرگانی نیز احکام ورشکستگی تاجر و احکام مربوط به قرارداد ارفاقی و احکامی که حکم ورشکستگی را گسیخته و یا به ورشکسته اعاده حیثیت می‌دهد.

در امور اداری شامل ۱- تصمیمات قطعی اداری راجع به اخراج بیگانه از کشور و الغاء آن؛ ۲- سلب تابعیت ایرانی از بیگانگانی که تابعیت ایران را تحصیل کرده اند و کسانی که ایرانی الاصل هستند؛ ۳- محکومیت به انفصال دائم از خدمات دولتی و دستگاه‌های مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری، در دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی، ویژه روحانیت، تجدید نظر، دادگاه و محکمه عالی انتظامی قضات، دیوان عالی کشور و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و محرومیت از تصدی سمت‌های خاص و مدیریتی و محکومیت به اخراج از دستگاه متبوع. (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۴: ۳۲)

### ۳-۲-۲. تأسیسات کیفری مرتبط با سجل کیفری

#### مجازات تبعی

مجازات تبعی یکی از مجازات‌هایی است که در حکم دادگاه قید نمی‌شود اما به صورت اتوماتیک وار و به اصطلاح تبعاً یکسری محرومیت از حقوق اجتماعی است که در مورد شخص محکوم اعمال می‌شود. یعنی مجازات تبعی در حکم دادگاه نوشته نمی‌شود اما اگر فردی محکوم به مجازات‌های خاصی شد، خود به خود از یکسری مجازات‌های اجتماعی محروم می‌شود. به عنوان مثال نمی‌تواند کاندید و یا عضو هیات مدیره شرکت شود. لذا در مجازات تبعی قاضی به آن کاری ندارد و در رای اوهم قید نمی‌شود. مجازات تبعی به موجب قانون بر یک مجازات دیگر بار می‌شود.

متناسب ماده ۶۲ مکرر و پنج تبصره آن، در قانون مجازات فعلی مواد ۲۵ و ۲۶ پیش‌بینی شده است. در ماده ۲۵ آمده است که: محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، محکوم را پس از اجراء حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده، از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند.

### محرومیت از حقوق اجتماعی

از آنجایی که داشتن سوءپیشینه مجرمین را از برخی حقوق اجتماعی محروم می‌کند، ابتدا باید تعریف درستی از حقوق اجتماعی داشته باشیم که با توجه به تبصره ۱ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی، حقوق اجتماعی عبارت است از: حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و دیگر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور کرده و سلب به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح است.

در سال ۱۳۷۰ هنگامی که کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در هشتم مرداد ماه نسبت به تصویب آزمایشی «قانون مجازات اسلامی» اقدام نمود؛ مشکل پیش آمده در اثر اجرای ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی را به کلی مرتفع نمود؛ به نحوی که بندهای پنجگانه مندرج در «قانون تعریف محکومیت های مؤثر در امور جزایی» مصوب سال ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی را صرفاً با تغییر کلمه «محکومیت لازم الاجرا» به «محکومیت قطعی» و بدون کوچکترین کم و کاست دیگر در بند الف ماده ۲۵ درج نمود.

همچنین در مواد ۲۸، ۳۲، ۳۳ و ۲۵ که جایگزین تبصره های ماده ۴۰ سابق قانون مجازات اسلامی گردید، با ارجاع به ماده ۲۵ مشکل مربوط به شرایط و نحوه اجرای تعلیق مجازات را مرتفع نمود. (روزنامه رسمی شماره ۱۷۱۳۰ مورخ ۸۲/۹/۲۶)

هم اکنون با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ ماده ۲۶ این قانون مصادیق حقوق اجتماعی را ذکر نموده است.

### اعاده حیثیت

«اعاده حیثیت»<sup>۱</sup> در لغت عبارت از اعاده وضع، ترمیم، اعاده اعتبار کردن، که با توجه به منابع انگلیسی به معنای بازگرداندن اهلیت یا وضعیت به شخص یا شی است. در منابع انگلیسی - عربی نیز در ذیل عنوان «Rehabilitation»، رد الاعتبار او الحقوق، تأهیل و اصلاح آمده است. (حبیب زاده و بابایی، ۱۳۸۲: ۱۵)

در هیچ یک از قوانین جزایی ایران، تعریفی از «اعاده حیثیت» ارائه نشده است. اکثر حقوقدانان ایرانی نیز در تعریف اعاده حیثیت، الفاظ و اصطلاحات شبیه به هم را به کار برده اند، به عنوان مثال یکی از اساتید حقوقی ایران در تعریف اعاده حیثیت چنین می‌نویسد: «اعاده حیثیت تأسیسی است جزایی، که به فرد اجازه می‌دهد تا تمامی حقوقی را که به دنبال یک محکومیت قضایی یا حکم قانون از دست داده است باز یابد». (گلدوزیان، ۱۳۸۸: ۳۸۹)

اعاده حیثیت از محکوم علیه کاملاً با نوع اول فرق دارد. اعاده حیثیت از این نوع، به دو دسته تقسیم می‌شود؛

۱- اعاده حیثیت کامل

۲- اعاده حیثیت ناقص (جلیل زاده، ۱۳۸۷: ۶۶)

### ۳-۲-۳. فلسفه کیفر (خاستگاه ثبت یا عدم ثبت)

فلسفه کیفر با تحولاتی که در طول زمان به خود دید، موجب تغییر نگرش هایی شده است بنابراین تا زمانی که مجازات بر پایه دو مولفه قربانی و جرم استوار بوده، وجود سجل کیفری احساس نمی شده ولی با محوریت شدن مجرم در دستگاه عدالت کیفری و مطرح شدن اصل فردی کردن مجازات ها و همچنین تغییر فلسفه و اهداف مجازات‌ها در گذر زمان، نشانه دار کردن

<sup>1</sup>. Rehabilitation

مجرمین ضروری و با کرامت محور شدن حقوق کیفری، ایجاد نهادی برای ثبت پیشینه مجرم لازم به نظر می‌رسید که شرح آن به طور کامل در زیر خواهد آمد. (نوربها، ۱۳۸۲: ۱۲)

### جرم مداری

کیفر در گذر زمان، فراز و نشیب‌های پرشماری را پشت سر نهاده و دگرگونی‌های بسیاری را به خود دیده، مجازات در این فراز و فرود بر پایه سه مؤلفه استوار بوده است؛ قربانی، جرم و مجرم. (نوربها، ۱۳۸۲: ۱۲) از میان این سه مؤلفه، پیش از قرن هجدهم بیشترین تکیه بر رویکرد نخست بود؛ یعنی همه دغدغه در قلمرو مجازات را پوشش دهی آسیب‌ها و زیان‌های وارده بر قربانی جرم تشکیل می‌داد. (نوربها، ۱۳۸۲: ۸۳) با این همه، دادگستری هنوز جنبه خصوصی داشت و شروع پیگرد و مجازات بزهکار با زیان دیده جرم و خانواده او بود و قلمرو قدرت دادگستری آن زمان فقط محدود کردن مداخله دیگران در کار قضاء بود. این اوضاع نابسامان کیفر، اندیشمندان حقوق جزا را، از نیمه دوم سده هجدهم به اعتراض درباره مجازات‌های سنگین موجود واداشت؛ به گونه‌ای که به شناخت حقوق محکومان و استوارسازی قوانین کیفری بر پایه اصولی معقول روی آوردند. بدین سان مجازات، به جای اندیشه انتقام و تمرکز بر روی قربانی جرم، به رویکرد جرم محوری و توجه به رفتار انجام یافته گرایش یافت. (اردبیلی، ۱۳۸۴: ۶۶)

مکاتبی را که در تعیین میزان کیفر توجه وافر به پدیده جرم دارند، می‌توان در غالب مکتب مبتنی بر فایده‌گرایی (کلاسیک) و مکتب مبتنی بر اخلاق (عدالت مطلق) مورد مطالعه قرار داد.

### مجرم مداری

در زیر چگونگی شکل‌گیری ایده‌ی نشانه دار کردن مجرمین، تا مطرح شدن ثبت پیشینه آنها را شرح می‌دهیم.

#### الف. مکتب تحقیقی

لومبروزو عقیده داشت بعضی افراد به خاطر ساختمان جسمانی به بزهکاری کشیده می‌شوند که از طریق ویژگی‌های استخوان بندی، شکل جمجمه، چانه، فکها، گوشها و غیره قابل تشخیص هستند. اوج تحول این گرایش نسبت به مکاتب کیفری پیش از خود، مربوط به نگرش آن به مسأله‌ی اراده در بزهکار است و فری از دیگر بنیانگذاران این مکتب معتقد به تأثیر عوامل اجتماعی در وقوع جرم است و در این پروسه جایگاهی به اراده بزهکار نداده و اراده بزهکار را مقهور عوامل اجتماعی می‌داند ولی از آنجا که مبنا و اساس برخورد و واکنش اجتماعی را شخصیت فاقد مسئولیت مجرم می‌داند، از آن می‌توان به جامعه شناسی کیفری مجرم مدار تعبیر نمود. (محسنی، ۱۳۸۲: ۲۱۴)

که در این خصوص لومبروزو اعتقاد دارد اگر بزهکارانی که بایستی تحت درمان قرار گیرند به این امر تن در ندهند و نسبت به درمان پزشکی از خود حساسیت نشان ندهند، آنها را برای همیشه، از شهروندان خود جدا خواهیم کرد. (اردبیلی، ۹۸-۹۹)

#### ب. مکتب دفاع اجتماعی

مکتب دفاع اجتماعی نوین که به وسیله مارک آنسل پایه گذاری گردید. کانون توجه حقوق جزا از جرم به مجرم که به وسیله مکتب تحقیقی شروع شده بود را ادامه داد. بسنده نکردن به جنبه قضایی صرف در برخورد با مجرم، پیامد پافشاری بر واقعیت انسانی و اجتماعی در بررسی پدیده جنایی از سوی این مکتب می‌باشد. به باور دفاع اجتماعی نوین، مجرم مانکن جاندار نیست که قاضی، نخست یک شماره قانونی مجازات بر روی او بچسباند، آن گاه اداره زندان، شماره دوم را، بلکه دغدغه این رویکرد، جلوگیری از تکرار جرم می‌باشد و چاره کار را نیز در این می‌بیند که برای اشخاص در آستانه انجام جرم، به دلیل تهدید آرامش و آسایش افراد جامعه باید تدابیر تأمینی تربیتی در نظر بگیرد. گام‌های پیموده شده این مکتب با سفارش‌های آدولف پرینس آغاز گردید.

### ۳-۲-۴. اهمیت نگهداری سوابق محکومین

حفظ و نگهداری سابقه کیفری شهروندان اهمیت زیادی دارد. این رویه دلایل زیادی دارد؛ باید به این نکته توجه کرد که سجل کیفری این امکان را به صاحب منصبان قضایی می دهد که با شناخت شخصیت فرد بزهکار، در تطبیق مجازات متناسب، تخفیف، تشدید یا تعلیق مجازات‌های وی تدابیر شایسته اتخاذ کنند. همچنین این سجل، مقام‌ها و مسئولان کشوری را در تشخیص صلاحیت افراد در امکان ورود به برخی مشاغل کمک خواهد کرد.

بر اساس بند الف ماده ۳ آیین نامه سجل کیفری مصوب ۱۳۸۴/۱۱/۲ رییس قوه قضائیه، در سجل کیفری سه مورد به طور خلاصه درج می شود: مورد اول محکومیت های کیفری قطعی و قابل اجرا و تاریخ شروع و ختم آنها و احکامی که در نتیجه اعاده دادرسی، آزادی مشروط یا تعلیق اجرای مجازات به ترتیب، احکام محکومیت را الغاء یا منتفی کرده است. وی در مورد گزینه دوم و سوم نیز می گوید: حکم لغو تعلیق اجرای مجازات و حکم اجرای بقیه محکومیت به لحاظ تخلف از ترتیبات و شرایط آزادی مشروط و تصمیم مربوط به اعاده حیثیت و عفو عمومی یا بخشودگی و تخفیف و تبدیل کیفر دو مورد دیگری است که در سجل کیفری درج خواهد شد.

### ۳-۳. آثار سوء پیشینه کیفری در ایران

#### ۳-۳-۱. اثرات برجسب زنی بر افراد دارای سابقه کیفری

در واقع رویکرد سازمانی تأکید می کند که جرم یک واقعیت عینی نمی باشد. قطع نظر از جهت دار بودن «جرم انگاری» نظریه برجسب زنی به دلیل امکان بدنام کردن افراد، نقش پذیری افراد برجسب خورده و اثرات منفی این اقدام بر روی روحیه، شخصیت و زندگی اجتماعی و فردی افراد می تواند قضاوت فرد نسبت به خود و ارزیابی دیگران نسبت به او را دگرگون کند، و ممکن است او را در تداوم اقدامات مجرمانه مصمم تر سازد و اگر بی گناه برجسب خورده باشد و یا خود را بی گناه بداند، - به ویژه جوانان- برای اعتراض به این امر و یا انتقام از جامعه رفتار مجرمانه را به صورت حرفه ای در پیش گرفته و نوعی هویت پذیری در زمینه رفتار مجرمانه در او به وجود خواهد آمد. (نجفی توانا، ۱۳۹۲: ۹۲-۹۱)

#### ۳-۳-۲. اثرات پیشینه کیفری بر حقوق اقتصادی و سیاسی محکومین سابقه دار

انتخابات یکی از مهم ترین مجاری عملی شدن مردم سالاری و معیاری برای ارزیابی جایگاه و میزان نقش آفرینی مردم در نظام- های سیاسی امروزی است. انتخابات چارچوب و ابزاری است که از طریق آن، اراده مردم در شکل گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال قدرت سیاسی به ظهور می رسد و از این طریق، مردم در عرصه های تصمیم گیری، اجرا و نظارت بر اراده ای امور کشور نقش آفرینی می کنند. (عباسی و جعفری، ۱۳۹۰: ۱۱۵)

حقوق اجتماعی از مصادیق شخصی است که عمدتاً شامل حقوق سیاسی و برخی از حقوق عمومی می شود، زیرا اعمال این حقوق و بهره مندی از آن با منافع دیگر افراد و مصالح جامعه و سرنوشت عمومی در ارتباط است. لذا، در صورتی که بهره مندی از این حقوق به منافع عمومی و مصالح جامعه آسیب رساند، مقنن با وضع قوانین و مقرراتی موجب محرومیت از این حقوق می شود. بدین ترتیب محرومیت از حقوق اجتماعی، با مصالح عمومی و منافع حکومت ارتباط دارد. (دانش پژوه، ۱۳۷۸: ۱۸۵)

#### ۳-۳-۳. تأثیر سوء پیشینه در تکرار جرم و تعیین مجازات (تشدید مجازات)

علل تشدید مجازات کیفیاتی هستند که در صورت تحقق، موجب واکنش قانونی شدیدتری نسبت به مجرم از سوی قانونگذار می گردند به این معنی که اگر مجازات خاصی برای جرم خاصی در قانون در نظر گرفته شده بود، وجود این کیفیات موجب می گردد، مرتکب به مجازات شدیدتری محکوم گردد. داشتن سابقه کیفری و در واقع تکرار جرم یکی از این عوامل محسوب می گردد. (الهام و برهانی، ۱۳۹۲: ۱۸۰)



علیرغم تفاوت‌های عمیقی که در قوانین کیفری فوق‌الذکر وجود دارد، وجه مشترک کلیه این قوانین در مبحث تکرار جرم، پذیرش آن به عنوان یکی از کیفیات عام تشدید مجازات‌هاست که با وجود اتخاذ تدابیر مختلف از سوی قانونگذاران در این رابطه، آن‌ها را با یکدیگر پیوند می‌دهد. تدقیق در قوانین کیفری مذکور و همچنین تقریرات و نوشته‌هایی که از طرف علما و متخصصان حقوق کیفری در تشریح این قوانین و تبیین مبانی آن‌ها راجع به تکرار جرم بیان شده است، حکایت از آن دارد که اندیشه سزادهی مجرم و به ویژه مجرم مکرر، نظریه‌ای مسلط بر اندیشه قانونگذاران و نویسندگان ایرانی بوده است. (غلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۸)

#### ۴. نتیجه گیری

با توجه به بیان مباحث نظری، پرسش‌ها و فرضیات مطروحه در فصل اول (کلیات تحقیق) و شرح و بسط هر یک از موضوعات در بخش‌های مختلف نتیجه گیری می‌شود: متأسفانه در اعلام سوابق کیفری متهمان و نیز ارائه گواهی عدم سوء پیشینه کیفری یا وجود آن سیستم منظم و حساب شده دیده نمی‌شود و عملاً حتی بازداشت تحت تأمین کیفری که ممکن است متهم در نهایت براءت اخذ کرده باشد هنوز سوء پیشینه اعلام شود و فراتر از این باید گفت اصلاً مرجع پاسخگویی به سوء پیشینه و سابقه کیفری با وجود اداره سجل کیفری با توجه به وظایف قانونی نمی‌تواند اداره تشخیص هویت باشد و تا زمانی که این نحوه اقدام ادامه دارد و چاره‌اندیشی در ساماندهی این امور نشود، مشکل همچنان باقی خواهد ماند. امروزه این موضوع موجبات سردرگمی افراد را فراهم و مشکلات اساسی برای آنها ایجاد کرده و نتیجه صحیح و قانونی براحتهی به دست نمی‌آید یا مدت‌ها به طول می‌انجامد و افراد جامعه بسیاری از امتیازات اجتماعی را از دست می‌دهند و لازم است اداره سجل کیفری برای پاسخگویی صحیح به این استعلام‌ها (چه از بعد اعلام سوابق کیفری متهمان از باب محکومیت کیفری مؤثر و چه از بعد ارائه گواهی عدم سوء پیشینه کیفری) نهادینه و قانونمند شود و رسالت قانونی خودش را شناسایی و در آن چارچوب اقدام کند تا از تبعات احتمالی پاسخ‌های غلط از جمله فروپاشی خانواده‌ها، سرخوردگی افراد در گروه همسالان و افسردگی ناشی از ترک تحصیل و بیکاری جوانان جلوگیری به عمل آید و تکلیف قضات نیز برای استعلام از مرجع واحد و مشخص و ضابطه مند معین شود و این یکی از مصادیق تأمین حقوق شهروندی و از حقوق اساسی هر فرد ایرانی است.

در مورد سجل کیفری قابل توجه است که ثبت و احراز پیشینه کیفری مجرمان در سامانه انتظامی در مقایسه با سامانه قضایی از قدمت بیشتر و در عین حال از کارایی موثرتری برخوردار است. چون این سیستم براساس ویژگی‌های اثر انگشت پایه گذاری شده لذا هرگونه تغییر قیافه، جعل مدرک هویت، کتمان هویت و نظایر این‌ها، توسط مجرمان، مانع دستیابی به پیشینه کیفری و هویت واقعی آنان نیست. در این سامانه علاوه بر ثبت سوابق محکومیت، سوابق بازداشت و محکومیت‌های غیر قطعی نیز که منجر به زندانی شدن شده باشد ثبت می‌گردد و این امر به قضات در زمینه تعیین اینکه جرم ارتكابی متهمی از مصادیق تعدد و یا تکرار جرم می‌باشد، حائز اهمیت است.

این سامانه در عین حال با خلأ پشتوانه قانونی مواجه است، زیرا هیچگونه قانون یا آیین نامه‌ای در زمینه انگشت نگاری از متهمان و محکومان و مدت نگهداری این قبیل آثار انگشت وجود ندارد. در این سامانه پیشینه کیفری اشخاص حقوقی، محکومیت‌های شورای حل اختلاف و تعزیرات حکومتی ثبت نمی‌گردد.

باتوجه به اهمیت و ضرورت ضبط و احراز و پیشینه کیفری مجرمان در سامانه انتظامی ضرورت دارد، در این زمینه بررسی‌های دقیق علمی و تطبیقی به عمل آید و نتایج حاصل شده در تدوین قوانین کیفری، شکلی و ماهیتی مرتبط با موضوع مد نظر قرار گیرد.

اصولاً با صدور حکم قطعی کیفری علیه مجرم، آثاری ایجاد می‌شود که اعتبار امر مختومه کیفری و لازم الاجرا شدن حکم کیفری و در نتیجه اجرای همه مجازات‌های مندرج در حکم محکومیت یا مقرر شده در قانون از زمره آنها است. همچنین محکومیت کیفری می‌تواند سبب درج سابقه کیفری محکوم در سجل کیفری او شود و به تشدید مجازات مرتکب یا محرومیت او از پاره‌ای امتیازات همچون عدم استفاده از آزادی مشروط در صورت ارتکاب جرم مجدد منتهی شود. نمی‌توان انکار کرد که

محکومیت کیفری دارای آثار اجتماعی ناخوشایندی برای محکوم است که سلب یا تضعیف شأن و موقعیت اجتماعی او از زمره آنهاست و چه بسا کسب و تحصیل آبروی از دست رفته نیازمند سال‌ها مدارا و رنج است. همچنان که محکومیت کیفری یک شخص به دلیل اشتباه قاضی یا توجه اتهام به فردی غیرمقصر و بی گناه به دلایلی چون تبانی شهود و اغفال مقام قضایی، آثار مخرب اجتماعی و روانی برای متهم و محکوم بی گناه ایجاد می‌کند که سیمای عدالت جزایی را مخدوش و اعتماد عمومی به دستگاه عدالت و اعتبار آن را به چالش می‌کشاند. بنابراین از شایسته‌ترین تدابیری که برای رفع یا تقلیل آثار ناخوشایند مذکور در ادبیات حقوقی ایران نیز مطرح شده، «اعاده حیثیت» است. در ادبیات حقوقی ما اعاده حیثیت در دو مفهوم متمایز به کار رفته است، یکی معنای غیرحقوقی که تدبیری است برای بازگشت شأن و آبروی مخدوش شده که اعاده حیثیت در این معنا در چهره یک ضمانت اجرا و از مصادیق جبران خسارت معنوی ظاهر می‌شود و در مفهوم دیگر به عنوان یک تأسیس حقوقی که سبب زائل شدن آثار تبعی مجازات می‌شود.

در پایان ذکر این مطلب ضروری است که بازپذیری اجتماعی بزهکاران در جوامعی امیدوارکننده است که در آن‌ها، فرصت‌های شغلی مشروع به صورت عادلانه و بر مبنای جمعیت انسانی ساکن در مناطق، توزیع شده است. در این جوامع، بزهکاران آزادشده می‌توانند در محل سکونتشان به کسب و کار مشروع مشغول شوند. اشتغال به کار در محل سکونت شخص موجب می‌شود که از سویی، یکی از عوامل اصلی بزه، که همان بیکاری است، حذف شود و از سوی دیگر نیروها و ابزارهای کنترل خانوادگی و همسایگی که بر بزهکاران آزادشده تحمیل می‌شود، در کنار ابزارهای رسمی کنترل پدیده جنایی، از سوق یابی وی به سمت تکرار جرم ممانعت کند.

در غیر این صورت، در جوامعی که فرصت‌های شغلی مشروع، به علت متمرکز بودنشان در برخی از مناطق و استان‌ها، در دسترس ساکنان مناطق محروم نیست، نمی‌توان انتظار داشت که بازپذیری اجتماعی بزهکاران موفقیت آمیز باشد. در چنین وضعیتی احتمال این که، بزهکاران آزادشده به سمت فرصت‌های غیرمشروع از قبیل خریدوفروش مواد مخدر و مشروبات الکلی روی بیاورند، بیشتر است.

به گفته پیامبر اکرم «اگر شب کسی را در حال گناه دیدی فردای آن او را به چشم گناهکار نبین.»

#### ۴-۲. پیشنهادات

- ۱- پیشنهاد می‌شود واجد سجل کیفری و عفو و بخشودگی در هم ادغام شوند و زیر نظر وزیر دادگستری اداره شوند. در فرانسه نیز این واحد تحت تفوق وزیر دادگستری است.
- ۲- پیشنهاد می‌شود که قوه قضاییه اطلاعات و منابع موجود در مراکز آماری خود را داوطلبانه از طرق سامانه‌های آنلاین کامپیوتری در اختیار محققان و پژوهشگران قرار دهد.
- ۳- تشکیل گروه‌های حمایتی منسجم برای افراد دارای سابقه کیفری و حمایت دولت از این گروه‌ها جهت کمک به بزهکاران سابق در بدست آوردن شغل و دادن مشاوره‌های لازم به آن‌ها.
- ۴- فرهنگ سازی و آگاهی برای کاهش بدنامی حبس برای بزهکاران سابقی که سعی در باز اجتماعی شدن دارند.
- ۵- جرح و تعدیل قوانینی که از استخدام افراد دارای سابقه کیفری جلوگیری می‌کنند.

#### منابع

۱. آیین نامه سجل کیفری (۱۳۱۸).
۲. آیین نامه سجل قضایی (۱۳۲۱).
۳. آیین نامه سجل قضایی (۱۳۸۴).
۴. قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴).
۵. قانون مجازات عمومی (۱۳۵۲).

۶. قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵).
  ۷. قانون تشکیل نیروی انتظامی.
  ۸. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
  ۹. مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری، اداره کل امور حقوقی معاونت حقوقی و توسعه های قضایی قوه قضاییه، (۱۳۸۸).
  ۱۰. ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، مجموعه قانون مجازات اسلامی، ویرایش چهارم، تهران، (۱۳۸۳).
  ۱۱. ریاست جمهوری، معاونت حقوقی و امور مجلس، مجموعه قوانین و مقررات جرایم و مجازات ها، ویرایش سوم، تهران، (۱۳۸۸).
  ۱۲. آقای جنت مکان، حسین، (۱۳۹۴) حقوق کیفری عمومی (دانش اجرای احکام کیفری)، جلد چهارم، تهران: انتشارات جنگل.
  ۱۳. الهام، غلامحسین، برهانی، محسن، (۱۳۹۲) درآمدی بر حقوق جزای عمومی واکنش در برابر جرم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
  ۱۴. اردبیلی، دکتر محمدعلی، (۱۳۸۹) حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
  ۱۵. علی آبادی، عبدالحسین، (۱۳۶۸) حقوق جنایی، جلد دوم، تهران: فردوسی.
  ۱۶. غلامی، حسین، (۱۳۹۰)، تکرار جرم بررسی حقوقی-جرم شناختی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
  ۱۷. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۸) بایسته های حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: انتشارات میزان.
  ۱۸. محسنی، مرتضی (۱۳۸۲) دوره حقوق جزای عمومی، جلد ۳، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
  ۱۹. نجفی توانا، علی، (۱۳۹۲)، جرم شناسی، تهران: انتشارات آموزش و سنجش.
  ۲۰. نوبهار، رحیم، (۱۳۸۷) حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، تهران: انتشارات جنگل.
  ۲۱. نوریها، رضا، (۱۳۸۲) زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش.
  ۲۲. شیخ زاده، محمود، (۱۳۸۴) «سجل کیفری در نظام حقوقی ایران»، مجله علامه، شماره ۷.
  ۲۳. محمدی منش، محمد، (۱۳۹۲). «بررسی حقوقی و جرم شناختی ثبت سجل کیفری: ضرورت ها؛ چالش ها». پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان.
  ۲۴. نجابتی، مهدی، (۱۳۹۱) «پیشینه کیفری و تأثیر آن در نظام تعیین مجازات قانونی در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- نشریات
۲۵. جلیل زاده، مرتضی، (۱۳۸۷) «اعاده حیثیت»، کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۱.
  ۲۶. حبیب زاده، محمد جعفر، و بابائی، محمدعلی، (۱۳۸۲) اعاده حیثیت، مجله دادرسی، شماره ۴۱.
  ۲۷. دانش پژوه، وهاب، (۱۳۷۸)، محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه، مجله دین و ارتباطات، شماره ۹.
  ۲۸. عباسی، بیژن، جعفری، مصطفی، (۱۳۹۰) «بررسی تطبیقی شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در نظام انتخاباتی مجالس ایران و مالزی» مجله حقوقی تطبیقی، دوره دو، شماره ۲.
  ۲۹. عینی، محسن، (۱۳۸۵) «گامی کوتاه در راه اعاده حیثیت (بررسی و نقد ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی و تبصره های آن)»، مجله نامه مفید، شماره ۵۵.